

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهادها

نویسنده: کامبیز "ورسی"

۱۴۰۶۰۹

## نامه ای از ورس

معارف ولسوالی ورس و لایت بامیان توسط نمایندگان گروه ها در شورای ملی به تباهی کشانده میشود ورس با داشتن یک صدوشصت هزار نفوس در دورترین موقعیت و لایت بامیان قرار دارد که این ولسولی از چشم حکومت همیشه به دور بوده و چندان توجهی در آن صورت نگرفته است. ورس دارای تقریباً 97 باب مکتب بوده که 13 باب آن به سویه لیسه بوده و متباقی آن به سویه متوسطه و ابتدائیه میباشد کیفیت درسی درین ولسولی خیلی پائین و تقریباً 97% معلمین آن غیر مسلکی می باشد که از آن جمله در حدود 25 تا 30 فی صد آن به سویه دوازده بوده و متباقی آن از سواد کافی برخوردار نیست.

ورس به تعداد سه نفر در مجلس نمایندگان و یک نفر در مجلس سنای شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان دارد که هر کدام شان نماینده حزب مربوطه شان بوده و اصلاً نماینده مردم آن ولسوالی نمیباشد زیرا آنها به جای اینکه مشکلات مردم را به مراجع مربوط برسانند برای مشکلات مردم راه حل و تدابیری اتخاذ نمایند مشکلات مردم آن ولسولی را به مراتب بیشتر نموده و بیشتر مردم آن ولسوالی را دچار منازعه و جنجال ساخته اند زیرا سه نماینده از سه جناح به شورای ملی راه یافته اند که هر کدام شان تلاش دارد در جلب و جذب افراد در پست های دولتی از اقوام و وابستگان تنظیم خویش حمایت نماید و پایگاه حزبی شان را تقویت بخشند که به همین خاطر کاری را که یکی شان انجام میدهند دیگران شان به ضد آن کار نموده و تلاش میکنند تا آنها را به هرنحوی که باشد خراب کنند. چنانچه در سال 1387 تمام دانشجویان ورس تصمیم گرفتند که در مقابل بی عدالتی و فساد مبارزه کرده در تقویت و رشد معارف تاحد توان تلاش کنند که به همین منظور فیصله کردند که هر (محصل) دانشجویی که از (پوهنتون) دانشگاه فارغ میشود باید افتخاری به لیسه ها رفته تدریس کنند و ضمن آن شخصی را به اسم (حسین هاتف) در پست مدیریت معارف کاندید نمودند که وی توانست کارهایش را برای احراز پست مدیریت از وزارت خلاص کند ولی در مخالفت شدید و کلاً قرار گرفت و همه شان در تلاش سرکوبی دانشجویان شدند هر یکی به نوبه خود کوشش نمود که مانع رشد معارف و قشر تحصیل کرده شود زیرا هر قدر یک جامعه رشد کند کمتر از آنها اطاعت میکند به همین اساس همه شان با روحیه بنیادگرایی و ارتجاعی شان همیشه در صدد سرکوبی قشر تحصیل کرده بوده و مانع ترقی و رشد در یک جامعه میشوند چنانچه در سال جاری یعنی (1388) همه آنها روی یک توافق کلی یک شخصی که کاملاً فساد پیشه میباشد به اسم (سلطان) به حیث مدیر معارف مقرر نموده که بارفتن آن به عنوان مدیر معارف تمام لیسانسه ها مکاتب را به رسم

اعتراض ترک گفته اند و فعلا تمام شاگردان دوره لیسه از تعلیم به دور بوده و بدون سرنوشته میباشند و مدیر تازه تقرر مصروف مهمانداری و نمایش میباشند و اصلا از مکاتب خبر ندارد که چه وضعیتی در آنجا حاکم است.

و وکلای محترم نیز به خیال راحت در فکر معاش دالری بوده و خوشحال اند که توانسته اند نفر مورد خواست شانرا در پست مدیریت معارف برسانند. و تازمانی این آرامش ادامه خواهد داشت که کدام ملازمی خلاف میل شان به یکی از مکاتب تعیین گردد درین صورت است که همه شان دست پاچه شده در صدد برکناری آن ملازم بی چاره میبر آیند چنانچه در سال 1387 به تعداد چهار نفر از وکلا و سناتوران در طی یک فصله خواستار برکناری محمدمیر میثم ملازم لیسه شینیه تخت ورس گردید زیرا وی خلاف میل شان بود.

اگر به گذشته مدیر خان مدیر دست نشانده ای وکلا نظر اندازی شود وی کسی است که دوران کودکی را همراه با خارجی ها سپری نموده یعنی نفر پیش خدمت (میری) که یک زن خارجی است بود. بعد از آنیکه اداره موقت روی کار آمد وی بایک سند تقلبی در امتحان کانکور شرکت و شامل دارالمعلمین سید جمال الدین افغان شده باسندی که از آنجا به دست آورده است به اساس روابط در پست مدیریت معارف خود را رسانده که از سواد نسبی نیز برخوردار نیست و نمیتواند یک نامه ساده را بنویسد چه برسد که مدیریت کند.

یادداشت:

هموطن عزیز آقای "کامیز ورسی"، سلام ها و احترامات متصدیان پورتال را پذیرفته امید است در کمال صحت و سلامت باشید.

و اما در رابطه با نامه ارسالی تان ، همانطوریکه ملاحظه می فرمائید ما نامه افشاءگرا نه تان را بعد از اندکی ویراستاری های لازم به نشر رسانیدیم. امید است نشر نامه بتواند مصدر امر خیری بگردد. هر چند از دید ما اکتفاء به چنین نامه نگاری هائی در شرایط کشور، کمترین اثری نمی تواند داشته باشد. زیرا،

در کشور اشغال شده ای مانند افغانستان که تمام مقدرات آن به وسیله امپریالیزم و ایادی خود فروخته آن در پیوند تنگاتنگ با منادیان اسلام سیاسی رقم می خورد، داشتن هر نوع توقعی از عمال دولت دست نشانده در هر مقامی که قرار داشته باشند حد اقل بی توجهی به ماهیت استعمار بوده در نهایت به خلع سلاح مادی و معنوی خلق برابر ارتجاع و امپریالیزم میگردد.

آنچه را شما در رابطه با سه وکیل به اصطلاح پارلمان اداره مستعمراتی نگاشته اید اگر اندکی تحقیق بین سایر اعضای آن "مجمع خیانت" نمائید خود به تجربه خواهید دریافت که تمام اعضای آن نهاد ، همه از یک جنس و ماهیت برخوردار بوده ، چیزیکه ندارند عرق ملی، و علاقه مندی به آینده اولاد این مرز و بوم است. آنها بدون استثناء از تیکه داران اسلام سیاسی تا مدال گیران چپ آن ، مثنی وطن فروش و مشاطه گر امپریالیزم اند که می خواهند از طریق فروش منابع ملی و تاریخی میهن ، آزمندیهای طبقاتی و گروهی خویش را بر آورده سازند.

ما را عقیده بر آن است که نجات از وضعیت کنونی در خطوط کلی خود می باید در جهت راندن و اخراج قهری استعمار و نوکران دست پرورده آن اعم از اسلام سیاسی و هواداران دموکراسی امریکائی تمرکز یافته فقط از طریق انجام چنین رسالتیست که می توان موانع را از پیش پای فرزند این کشور برداشت.

به امید آرزو

از طرف اداره پورتال AA-AA

